

ناگهان زلزله آمد (۲)  
خانه و کوچه تکان خورد (۲)  
خنده ی لبهای تو با آمدنش مرد (۲)  
کو کجاست کودک  
وای وای جان پریشان  
کوچه ات خانه ات در هم و ویران  
ناامید بر سر ویرانه نشستی (۲)  
منتظر یآوری یک دل و دستی (۲)  
آدم آمدی دستان  
خانه ی آغوشمان  
سوی تو باز است  
می روی استوار پیش بسوی تو و  
هر جا که نیاز است (۲)